

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بہ صوبت بلس و قمری اگر نوشی علاج کی کنت آخر الذوا لکے

ذخیرہ ای بنا زنگ و بوی فصل ہوا کہ می رسد ز پی رہ زمان بہمن و دے

چو گل نقاب بر افکند و مرغ زرد جو مہ دست پیا لہ چہ می کنی ہی

خرید داری میراث خوارگان کفر است بقول مطرب و سقا فتویٰ دفت و

چو مست آب حیات بدت شمشیر فلا تات من الماء کل شیء

زمانہ بیچ بخشد کہ باز ستانہ مجوز غلہ مروست کہ شیئہ لاکہ

نوشتہ اند بر ایوان حسنة الماوی کہ ہر کہ عوہ دنیا خرید وای بہ دے

خانانہ سخن طعی کنت شراب کجاست بدہ بہ شادی روح و روان حاتم

سگوه سلطنت و حکم کی ثباتی دانت ز تخت جم غمی مانده است و اسر کے

بخیل بوی خدا نشود یا حافظ

پیالہ کیر و کرم و رز و انصاف

امام حسین علیہ السلام : خداوند تو بی کہ انوار بوی خود را در دل اولیسا و دوستان خود فروزان نمودی تا تو را شناسند و تو بی کہ از دل آہنا اغیار را محو ساختی تا غیر

از توجبت نوزیدند و غیر از تو پناہ نبردند. آن هنگام کہ آمان از بی پائی جهان و جہانیاں بہ وحشت افتند تو مونس و یاورا آہنا علیہ السلام. دعای عرفہ

امام حسین علیہ السلام : (در وصف متقین) آفرید کار در اندیش آمان بزرگ بود پس ہر چه جزاوست در دیدہ ما شان خرد نمود. سج البلاغہ خطبہ ۱۳۹

امام حسین علیہ السلام : چہ یافت سگتہ تو را کم کرد و چہ کم کردہ کسی کہ تو را ایاقہ است؟ ہما از میان کرد آئس کہ بہ جای توبہ چیری را نمی شد. دعای عرفہ

داستان کسانی کہ غیر از خدا اولیائی اختیار کردہ اند همچون علوت است کہ خدای برای خوش ساحتہ و در حقیقت الہی دانستہ ترین خاندان ہماں خاندان

علوت است. علوت ۴۱

امام علی علیہ السلام : کسانی کہ بہ آدمیان شبہت دارند اورا عالم خواندہ اند و سہلے چنین نیست ہر ہما داد بر خاست و بہ کرد آوردن چیز ناپی پرداخت کہ کمتر بودن آہنا

بہتر از بیشتر بودنشان است تا چنان شد کہ از نوشیدن آب کندیہ سیراب شد و آنچه را بسودہ جمع کردہ بود کچ پنڈاشت. سج البلاغہ خطبہ ۱۷

امام علی علیہ السلام : بہ مرداری روی آوردند کہ با خوردن آن رسوا شدند و بر سردستی و عشق بہ آن بایکدیگر سازش کردند. سج البلاغہ خطبہ ۱۹

امام کاظم علیه السلام؛ ای شام! دنیا به آب دریای ماند که هر چه تشنه کلام از آن نبو شد تشنه تری شود تا سرانجام او را بکشند. میزان الحکمه ص ۱۷۴۵
امام علیه السلام؛ شمارا چه شود که چیرنی را از روی کنسید که بدان نمی رسید و جمع می کنسید چیرنی را که نخوزید و بنامی کنید جایی را که در آن سکونت
نخواهید کرد. آثار الصادقین ج ۶ ص ۱۳

امام علیه السلام؛ اعتماد کردن به دنیا با وجود شاهده تیسرات و دیگر گونهای آن نادانست. میزان الحکمه ص ۱۷۲۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ اگر آن چمن از نیامی را نم نماید جانهایتان از آن آسوده می شود. میزان الحکمه ص ۱۷۲۱

- بزودی نشانه های خود را در اقصای کوناکون و در دنیا نشان بدهید تا بدانیم خود را برایشان روشن کرده که او خود حق است ایماکافی
نیت که پروردگارت با هر چیرنی حاضر است آری آنان در لستای پروردگارشان تردید دارند همانا او به هر چیرنی احاطه دارد. فصل ۵۳، ۵۴

- مکنیده ای که خدا از آسمان آبی فرود آورد پس آن را به چشمه نابی که در زمین است راه داد و نگاه بر ویسد آن کشتاری را که کشتی کوناکون
دارد بیرون می آورد پس خشک میگردد و نگاه آن را زرد می بینی و پس خشکاش می گرداند. قطعاً در این برای صاحبان خرد عمرتی است. زمر ۱۷
امام علی علیه السلام؛ بزودی خواهید دانست که آنچه هم اکنون از دنیا موجود است کوی هرگز نبوده است و آنچه از آخرت است همواره پاینده است.

منج البلاغه خطبه ۱۰۳

- آنجاست که هر کس آنچه را پیش فرستاده می آید به سوی خدا ممولای حقیقی خود بازگردانیده می شود و آنچه به دروغ برمی ساقند از
دستان بدر میسود. یونس ۳۰

آنگاه به آنان گفته می شود آنچه را در برابر خدا با او شریک می ساختید بجا نماند بکشان کردیم بلکه پشیریم چیرنی را نمی خواندیم. غافه ۷۳، ۷۴
امام علی علیه السلام؛ هر روی کنده ای را بر کشتی است و آنچه بازگرد کوی هرگز نبوده است. منج البلاغه حکمت ۱۵۲

- و با خدا بسودی دیگر بخوان خدایی جز او نیست. جز ذات او چیزی نبوده است فرمان از اوست و به سوی او بازگردانیده می شوید. قصص ۸۸
امام علی علیه السلام؛ آن که به دنیا گیریت دنیا کورش نمود و آن که با دنیا گیریت دنیا بیاش ساخت. منج البلاغه خطبه ۸۲

امام علی علیه السلام؛ همانا دنیا نیاست دیدرس کمی است که دیده اش کور است و از دیدن ماورای آن مجور لیک آن که بیاست نگاهش در آن نفوذ کند
و از پس آن خانه آخرت را کند پس سینما از دنیا رخت بر دارد و با دنیا رخت خویش در آن گذارد. سینما از دنیا تو بگیرد و با دنیا برای
دنیا تو نه اندوزد. منج البلاغه خطبه ۱۳۳

امام صادق علیه السلام؛ از جمله سخنان نوح امیر خدای تعالی به موسی این بود که؛ همانا بندگان صالح من به اندازه معرفتشان نسبت به من دل از دنیا برکنند و دیگر

آفریدگان من به اندازه جملشان نسبت به من به دنیا روی آوردند. میزان الحکمه ص ۲۲۳۱

این جهان را قناب زورما
توبه تیر زور برده چه چاه
که اگر حق است کوان روشنی
سز ز چه در اربوبت کرای
جمله عالم شرق و غرب آن تویا
تا دور چاهی خواجه ربوبت
در زمین دست میرون روز چاه
تا بسینی بارگاه پادشاه
تا بسینی عالم جان جسته
عالمی بس آتش کاروانا پسته
این جهان نیت چون نشان شده
و آن جهان است بس پنهان شده
خان برباد است و بانی می کند
سز نمایی پرده ساری می کند
خان همچون آتی در دست با
با در اوان عالی و عالی ترا
چشم خاکی را به خاک انداخته
با دین چشم بود نوعی در
صفحه دوم

پیامبر اکرم ^{صلی الله علیه و آله} هر که به دنیا روی آورد و آرزویش دراز کرد خداوند به اندازه میل و رغبت او به دنیا دلش را گور کرد و هر که به دنیا پشت کند و آرزوی
 را در آن کوتاه گرداند خداوند او را دلتی عطا کند بی آنکه از کسی فراموش کند و کوری را از دل او برود و میانش گرداند. میزان انکه ص ۲۲۳۵
 امام ^{علیه السلام} : مرداری را پذیره گردیدند و خوردن آن رسوایی به خود حسیدند و بر سر دوستی و عشق به آن با هم پیمانش گراییدند و هر که عاشق چیزی
 شود دیده اش را گور سازد و دلش را بنجور، پس به دیده ای بسیار بیند و با کوشی مبارک شود و خواهشهای جسمانی پرده خردش را دیده و دوستی دنیا
 دلش را میراند. جهان او شیفته دنیاست و او بنده آن است و به سوی هر که چیزی از دنیا در دست دارد گمان است. هر جا که دنیا بر گرد
 در پی آن می رود و هر چه جبار روی آورد روی بد آنجا کند. نه بگفته باز دارند از سوی خدا خود را باز دارند و نه پسند آن کس را که از سوی او پسند
 دهد در کوش آرد حالی که فریفتگان دنیا را می بیند که دستگیرند و در محال مرک اسیر، نه جای در گذشت از خطا و نه راه بازگشت به دنیا. چگونه بر آنان
 فرود آمد آنچه نمی دانستند و چگونه فراق دنیا را دیدند و از آن ایمن نشستند و به آخرت درآمدند از آنچه بمیان میدادند نرفتند. آنچه به آنان فرود آمد
 وصف ناشدنی است. پس مرک بیشتر به نشان روی آرد تا آنکه به سخن گفتن نشان نگذارد و او در میان کاشش خاموش پیش می نهد و به کوشش
 می شود و با عقل درست و خرد بر جامی اندیشد که عمرش را در چه تباه کرده و در کارش را در چه کار بسته آورده. به یاد ماطیانی افتد که فراموش کرد
 و نگیرد که از ضلال است یا حرام، از هر جا گرفت که توانست و حلال آن را از شبهه ناک ندانست. و بال کرد آوردن آن مالش در گرن و محکام جدا
 و ترک آن کردن مانده برای دارمان تا خوش زیند و بره گیرند از آن به برای حسن او کوار و نوش و او را سنگینی پار کرد آوردن آن بردوش
 خود سخت در کرد و آن مانده دست پیمانی می خناید از آنچه محکام مرک بدون خناید آن را که در زندگانی خواستار بود اکنون دیگر نمی خواهد آرزو دارد
 که کاش کسی که بر مقام و منزلت و اموالش رشک می برد این اموال را کرد می آورد و او پس مرک پیوسته در تن او پیش راند تا کوشش چون زبان
 از کار بازماند پس در میان کسان خود خاموش نیستند، نه زبانش سخن گوید و نه کوشش سخن نشود نگاه خود را از چهره این به رخ آن می افکند که درش
 زبانشان را می بیند اما دیگر نشان را نمی شنوده پس مرک بیشتر بد روی آرد و چشم او را چون کوشش از کار باز دارد و جان از تن بیرون رود
 و مرداری در میان کسان خود شود. آنان در کسارش برسان و از نزدیک شدن بدو گریزان. دیگر نه بانو که می رسم آواز است و نه با کسی که او را
 خواند ساز پس او را به نقطه ای از زمین برند و در سپارند و با کرده اش واکند ازند و دیده از دیدار او بردارند تا آن که موهن ساده سر رسد و قضای ا
 درسد . حج السلاطین خطبه ۱۰۹

- روزی که آنچه را در صد داده می شود بنگرند گویی که بر ناسحق از روز را در دنیا مانده اند. این بلا است پس آیا جز مردم نادانان هلاکت خواهد یافت. احادیث ۲
 آری و شیطان به آنان وعده می دهد و ایشان را در آرزوهای افکنند و بخریب به آنها وعده نمی دهد. نساء ۱۲۰
 کسانی را که به جای اومی خوانید نمی توانند شمار ایاری کنند و نه خوشن را یاری دهند. اعراف ۱۹۷

اینک بکار است بکار است پست
 آن که نیانت نوزاد است
 نیت را نمود است آن چشم
 بت را نمود بر مثل عدم
 بحر را پوشید گفت کرد انگار
 باد را پوشید و نمودت غبار
 چشم دریا بگیر است و گفت کرد
 کف غسل ز دیده در دریا نهد
 بنه نص از دریا زو شب
 کف همی در یابی آب
 با چه شبها به آرزوی ز نیم
 تیره چشم و در آب رو نیم
 ای تو درستی آن رفته جواب
 آب را دیدی نکرد آب آب
 آب را آبی است کو سیر اندیش
 روح را روحی است کوی خوش
 حس جوان که بیدی آن حور
 بازید وقت بودی گاه خوش
 صفحه سوم

و کسانی که گفرو زیند کار ایشان چون سرابی در زنی هموار است که تشنه آن را آبی می پذیرد تا چون بدان رسد آن را چهری نیابد و خدا را نزد
خوش یابد و خداوند سببش را به کمال بر او دهد. نور ۳۹

امام علی علیه السلام سخن به راست بگویمت: دنیا ترا فریفته ساخته که تو خود فریفته دنیایی؛ آنچه را مایه عبرت است برایت آشکار داشت و میان تو و دیگر
فرقی نگذاشت... اندرز نانی چنان نیکو فریاد تو آورد و نمونه نانی برای پسند گرفتن پیش چشمت دارد که او را همانند دوستی یابی مهربان و از بدبختی و
تباہیت مکران. نهج البلاغه خطبه ۲۲۳

امام علی علیه السلام آن که دلش غرق دنیا و دوستی باشد چه چیز این جهان پویا با او باشد اندوهی که او را رها سازد و ترسی که از او دست بردارد
و آرزوی که به آن نرسد. میزان الحکمه ص ۱۷۰

و هر کس از یاد من دل بگرداند همانا زندگی تنگ و سختی خواهد داشت. طه ۱۳۴

بلکه حقیقت را وقتی برایشان آمد دروغ گرفته اند پس در وضعی اشتباهند. ق ۵

امام علی علیه السلام بذر گناه کاشتند و با آب غفلت و فریب آسایش کردند و هلاکت درویدند. نهج البلاغه خطبه ۲

امام صادق علیه السلام درباره کسی که برای سرگرمی دنبال کار میسرود فرمود: مومن فرصت چنین کار نانی را ندارد آخرت جوی او را از سرگرمی باز داشته است تا آنجا
که فرمود: مومن به هیچ یک از این کار نانی رسد و او را چه به سرگرمی با کار نانی او و سرگرمی کتفه سخت دلی می آورد و حاق بر جای می گذارد. میزان الحکمه ص ۵۳۶
امام علی علیه السلام در غفلت آدمی همین بس که عمر خود را در راه چیر نانی که نجاتش نمی دهد هدر کند. غرر الحکم ۷۰۷۵

امام علی علیه السلام هر که آرزو داشته باشد که فردا زنده بماند و حقیقت آرزوی زندگی همیشه را کرده است و هر که آرزوی زندگی همیشه را داشته
باشد دلش سخت شود و به دنیا روی آورد. میزان الحکمه ص ۱۹۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قیامت فراز سگم را نگاه که آدمی میان پول خود را بردارد و آن را بچرخاند اما کسی را نیابد که آن را بپذیرد پس میان
را بر زمین زند و گوید: کاش نبودم، کاش خاک بودم. میزان الحکمه ص ۴۱۴

امام صادق علیه السلام بدان که هر کس در راه خدا خرج کند به خرج کردن در راه محبت خدای عزوجل گرفتار شود و هر که در راه رفع نیاز دوست
خدا قدم بردارد به قدم برداشتن در راه رفع نیاز دشمن خدای عزوجل گرفتار آید. میزان الحکمه ص ۶۴۵

امام صادق علیه السلام از دعای آن حضرت در روز عرفه: خدایا به تو پناه می برم از نیایی که از خیر آخرت جلوگیری کند و از زندگانی که بهترین
مردن را باز دارد و آرزوی که مانع رسیدن به بهترین کار شود. میزان الحکمه ص ۱۸۷

امام علی علیه السلام کسی که سرگرم دنیا است چگونه می تواند برای آخرت کار کند؟ میزان الحکمه ص ۵۹

شست بر اعمی ندیک جنت
کو پندارد و گذرن اشتر است
زان که از دم بانهک اشتری شید
کو در آسینه گوش آمده دید
ای ز غفلت از سبب بی خبر
بند اسباب کشتی تو خن
لا جسم اعمی دل در سرشته ای
منظر ب احوال و منظر شته ای
آن چنان که ز قهری از شد خلق
زیر آب شورده تا به جلق
جلدشان از خوف غم در عین
وز بیستی فاده در عدم
جان همه روز از گد کوب خیال
وز زبان و بود از خوف زوال
نی صفای ماندش نی لطف فر
نی به سوی آسمان را و سفر
خفته آن باشد که او از خبر خیال
دارد و امید کند با او مقال
صفحه چهارم

امام علی علیه السلام: شادان چمی شود که باندگی از دنیا که به شامی رسد شادی می کند اما بر بسیاری از آخرت که از دست شامی رود اندوهناک نمی شود. آثار الصادقین ج ۶ ص ۱۵۰

امام علی علیه السلام: کسی که بادنیا سپوزد زیند بودش بریده شود. میزان انکلس ۱۷۰۳

امام علی علیه السلام: دنیا مانند روزی است که گذشت و ما بی که بر سر آمد. میزان انکلس ۱۷۵۳

امام کاظم علیه السلام: بر سر کوری حاضر شد و فرمود: چیزی که آخرش این است سرور است که از همان آغاز به آن دل بسته نشود چیزی که آغازش این است بجاست که از فرجام آن ترسیده شود. میزان انکلس ۲۳۳۳

امام سجاده علیه السلام: در بی ارزشی دینی دنیا نزد خدای متعال همین بس که سر بریده یحیی بن زکریا در شتی زین به فاشه ای بدید شد، این خود مایه

تسلنی آزاد مرد با فضیلتی است که مشاهده می کند که چگونه یک فرد است و فرومایه به بهره ای و افزاوند دست می یابد. میزان انکلس ۱۷۵۳

امام علی علیه السلام: چون از زمین بازمی گشت به کورستان بیرون کو که گزیت و فرمود: ای آرمیدگان خانه های هراسناک و مملکتی تری و کورهای تاریک

ای خودگان در خاک! ای بی کسان ای تنهانمگان! ای وحشت زدگان! بهائیش از مارفتید و پانی شایم و به شمار سندگان. اما خانه ناداران

سکی گزینند. اما زمان به زنی شان گرفتند. اما الهما تقسیم کردید خبر جازین نیست، خبری که نزد شاست چیت پس به یاران خود رو کرد و

فرمود: اگر آمان را رخصت می دادند که سخن گویند خبری دادند که بهترین توشه بر سر کاری است. نهج البلاغه حکمت ۱۳۰

امام علی علیه السلام: ریشه زمینیک رختی است به آنچه در نزد خداست. میزان انکلس ۲۳۲۷

امام علی علیه السلام: پس دنیا را را کن که دنیا دوستی انسان را که و کور و لال و خواری سازد. میزان انکلس ۱۷۰۵

امام علی علیه السلام: کار از روی دل چنان کند که گویی از نیم جان کنی. من چون بشت جایی را ندیدم خوان آن آسوده و از پای نشسته و نه چون دونه

ترنده از آن خسته. بدانند آن که حق او را سودند به باطل زیاتش رسد و آن که به راه نیت دگر گرای به لاکش کشاند. نهج البلاغه خطبه ۲۸

امام علی علیه السلام: بر شما با بر جدیت و کوشیدن و ساختن و آسوده گردیدن و برداشتن توشه ای که به کار آید از منزلی که باید و ضرر به شمارا دنیا چنان که

فزیت کسانی را که پیش از شما بودند از آمان که گذشتند و رفتند و جای خوش تری هستند. آمان که دنیا را دو شیدند و شرمک فریض را نوشیدند. ما بود

کرد آنچه را که به کار آید و گند کرد آن را که نو باید. خانه شان کورستان شد و دارا میمان مرده یک این و آن. اما که نزد شان آید نشانند که

آن را که برایشان بگریزند که گزیت و آن را که بخاندشان پانج بزند که سخت چیت. پس از دنیا سپوزید که سخت بی وفاست و فرینده نیرنگا زیت

بخشنده و خیل از زمین دست پوشنده و از آن دست رخت کتده نه آسایش پاید و نه بخشش بر سر آید و نه بلاش یا ساید. نهج البلاغه خطبه ۲۳

امام علی علیه السلام: شایسته است کاردن به آنچه که تا آخرت همایمان می کند دنیا ز مندرید تا به تمام حیرتانی که در دنیا ملازم و همراه شاست. میزان انکلس ۵۱

دیوار چون خورنید او به خواب
پس زسوت ریزد او با دیو آفتاب
چون که تخم در سوره سخت
او به خویش آمد خیال از روی گریخت
صفت سیرید از آن دن پسید
آه از آن نقش بلند ناپید
مرغ بر بلا و پران سایه اش
می دود بر خاک پران مرغ و شش
ریشی سیاه آن سایه شود
می دود چندان که بی پای شود
خیرکان عکس آن مرغ بویات
خیر که اصل آن سایه کجاست
تیر اندازد به سوی سایه او
پیر کشن جنالی شود در جستجو
پیشش عمرش می شد عزت
در دیدن درنگار ساقیت
کودکان سازد در بازی و گان
سود بود جز که تحویل زمان
صفحه پنجم

بگو: آیاتش از زیانکارترین مردم آگاه کند و ایمان کسانی اند که کوشش ایشان در زندگی دنیا به در رفت است و خود می پندارند که کار خوب انجام می دهند. آنان کسانی اند که آیات پروردگارشان و نعمت های او را انکار کردند پس اعمالشان تباها گردید و روز قیامت برای آنها قدر و ارزشی نخواهیم نهاد. کشف ۱۰۵-۱۰۳

بگو اگر پدران، پسران، برادران، همسران و بستگان شما و مالهایی که اندوختهاید و تجارتی که از کسب آن بهینا کنید و خانه بانی را که خوش می دازد نزد شما از خداوند پسامبرش و جواد در راه او محبوب تر است پس مقرر باشد که خدا امر خویش را بیاورد و خداوند مردم نافرمان را هدایت نخواهد کرد. توبه ۲۴

امام صادق علیه السلام: اموال از آن خداست و آنها را نزد آفریدگان خوش به امانت نهاده است و فرمانشان داده که از آن با میل زوی بخورند با میانه روی بوشند و با میانه روی پوشند و با میانه روی ازدواج کنند و با میانه روی وسیله سواری بخرند و سوار شوند و از آن را به بوسه نیازمند بکشند؛ هر که از این حد فراتر رود آنچه از آن مال می خورد حرام است و آنچه می نوشد حرام و آنچه می پوشد حرام و آنچه به وسیله آن مال ازدواج می کند حرام است و آنچه سواری شود حرام است. میزان الحکمه ص ۵۷۴۲

امام صادق علیه السلام: در پاسخ کسی که گفت مادنی را دوست داریم فرمود: تا با آن چه کنی گفت ازدواج کنم حج بروم خج خانواده ام را بدم و به برادرانم رسیدگی کنم و صدقه بدم فرمود: این از دنیا نیست بلکه از آخرت است. میزان الحکمه ص ۱۷۰۵

امام صادق علیه السلام: هر بانی که پیش از نسیب از نسیب در روز قیامت و با مال کردن صاحب او است. میزان الحکمه ص ۲۵۱۷
عایشه گوید: کوفندی را سربریزند و گوشت آن را افراق کردند پیامبر اکرم فرمود: چیزی مانده است به عرض کردم: به جز شانه اش چیزی باقی مانده است پیامبر فرمود: به جز شانه اش همان باقی مانده است. میزان الحکمه ص ۶۴۴۹

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: به عمر خود بخیل تر باش تا به دهم و دینار است. میزان الحکمه ص ۴۰۳۵
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: از زیادهای دنیا کمترین بچسبان که از حرام می گیرید. همان ص ۱۶۹۷

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: هر که نعمت خدای عزوجل را بر خود خوردنی و نوشیدنی یا پوشاک بنیدنی کسان عیش کوتاه و عذابش نزدیک است. میزان الحکمه ص ۶۳۶۵
امام صادق علیه السلام: بدان که هر کس در راه خدا خرج نکند به خرج کردن در راه مصیبت خدای عزوجل گرفتار شود و هر که در راه رفیع نیاز دوست خدا قدم بردارد به قدم برداشتن در راه رفیع نیاز دشمن خدای عزوجل گرفتار آید. میزان الحکمه ص ۶۴۵۱

امام علی علیه السلام: بخت ترین مردم کسی است که دین خود را به دنیای دیگری بفروشد. آثار الصادقین ج ۶ ص ۱۱۱
روایت شده که جبرئیل به نوح علیه السلام گفت: ای که عمرت از همه پیامبران طولانی تر است دنیا را چگونه باقی بفرمود: همانند خانه ای دو در که از در

شب بود در خانه آمدند
کو دکان رفته بیدار است
این جهان بازیگر است و مرکب
بازگویی کیه خنالی بر تپ
سوی خنک گوزن آمد ای
باغبان و احسب بار خنک ای
کو دکان که چه در بازی بوشند
شب شش نشان سوی خانه کشند
شب به وقت بازی خل خود
درد ما گاهش قابوش بر
آرخان گرم او به بازی رفت
کان کلاه و سپهرین رفتش با
شب شد بازی او سبلی
روز دارد که کوسه خنک او
نی نشنیدی انا اللذی یاسب
با دواوی رخت گویی توب
پیش از آن که شب شود جا بجا
روز را ضایع کن در گفتگو
ششم

امام علی علیه السلام: دنیا خاکی است که از آن بگذرند و خبری که در آن قرار گیرند مردم در آن دو گونه اند یکی آن که خورده فروخت و خویش را به تباهی انداخت و دیگری آن که خورده خسید و آزاد ساخت. **نسخ البلاغه حکمت ۱۳۳**

امام علی علیه السلام: هر چیز از نسیب شنیدش بزرگتر از دیدش و هر چیز از آخرت دیدش بزرگتر از شنیدش و بداند آنچه از نسیب بکاهد و بر آخرت بیزاید بهتر است از آنچه از آخرت بکاهد و در دنیا زیاده آید. چه بکام شدنی که سود به همراه دارد و چه افزایش مالی که زیان در پی دارد. آنچه بر ما رواست و بدان ما موید وسیع تر از چیزی است که ما را از آن باز داشته اند و آنچه بر ما حلال است بیش از چیزی است که بر ما حرام کرده اند پس آنچه را اندک است بر خاطر آنچه بسیار است و گذارید و آنچه را بر شما تنگ گرفتند بگذرانید چنانچه پیش از آن فرسخ کرده اند بجا می آید. **سج البلاغه خطبه ۱۱۴**

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: ای ابوذر چنان باش که گویی در دنیا غریب یا همگدزی و خور از خشتگان در کور با شمشیر آید. **میزان الحکمه ص ۶۸۱**

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: دنیا برای شما آفریده شده است و شما برای آخرت. **میزان الحکمه ص ۱۶۹۳**

امام علی علیه السلام: دنیا چه نیکو سرائی است برای کسی که آن را حسانه خویش نداند. **میزان الحکمه ص ۱۶۹۱**

امام علی علیه السلام: داستان آمان که دنیا را از نمودن و شانه خنجر چون گروبی مسافر است که به جایی منزل کند تا سازد و از آب آبادانی بر کنار و جایی کند پر نعمت و در خواب و گوشه ای پر آب بکشد. پس هیچ را بر خود عموار کنند و بر جدایی از دوست و نخی خرد و ناگواری خوراک دل نهند که به خانه سرخ خود رسند و در منزل آسایش خویش بیارند پس بنمی رانند که در این راه بر خود عموار کردند آزار نماند و بر نسیب از آن که پذیرفتند تا او به حساب نیارند و هیچ خنجر زدنشان خوشایند تر از آن نیست که به خانه شان نزدیک کرده و به منزلشان در آورده است. **سج البلاغه نامه ۳**

امام علی علیه السلام: هر آنچه چشم به راهش باشد آمدنی است و آنچه آمدنی است بدان ماند که از ابتدا بوده است. **غرر الحکم ۶۸۵۲**

امام باقر علیه السلام: و بدان ای جابر که به راستی اهل تقوا همان بی نیازانند که اندک دنیا آنها را بی نیاز کرده است اگر خسران را فراموش کنی به یادت آوند و اگر بدان گل کنی تو را یاری دهند شوت و لذتشان را پشت سر انداخته و طاعت پروردگار خویش را پیش روی خود نهاده اند و به راه خیر چشم دوختند. ای جابر خود را در دنیا چنان بین که گویی ساعتی در آن منزل گیری و پس از آن کوچ کنی یا چون مالی که به خواب بینی و بدان شاد و سرور گردی و پس بیدار شوی و چیزی در دست نداشته باشی و همانا برای تو شلی زدم تا متحمل کنی و به کار بندگی اگر ت خدای توفیق دهد چه بسیار کسی که بر امری از امور دنیا حرص ورزیده که چون بدان رسیده و مال او شده و باعث بدبختی او گردیده است. **تحف العقول ص ۲۹۵**

امام علی علیه السلام: سزاوارترین مردم به زهد و زنی کسی است که عیب و نقص دنیا را بشناسد. **میزان الحکمه ص ۳۳۳**

امام علی علیه السلام: در وصف زاهدان: آنان گروبی هستند از مردم دنیا ولی اهل دنیا و دنیا دوستی نیستند آمان در این دنیا همچون کسانی که

جسد را بر دین بگذرانند
فراق بازی شسته با چون خنجر
سنگ شامگاه اهل نزدیک شد
غل به اجب کبک لانه
این سوار تو بود ز در رس
جاده ما از در بستان باز پس
مرکب تو بجای مرکب است
بر فلک تازد به یک خط زینت
یک مرکب را ز کوی دار آرد آن
کو بزدید او قیامت را زمان
تا زرد مرکب را نیت
پس دار این مرکب را دم به دم
صد هزاران ام و دانا است ای خدا
با چو مرغان حیرت بینوا
دم به دم با بسته دلم نویم
هر گویی که باز و سیر غمی شویم
می رمانی هر دی ما را و با
سوی دایمی را دم ای بنی نیا

که از آن نیتند و بر اساس پیش بصیرت کاری کنند. در دنیا از آنچه می ترسند می گرفته اند. پیکر ایشان در اینجا به گردش است اما در حقیقت میان اهل آخرت در کوشش است. مردم دنیا را می بیند که مرکب تن ایشان را بزرگ می پذیرند اما آنها مرکب و طعمای زندگان را بزرگتری سازند. *نسخ البلاغه خطبه ۲۳۰*

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: مرد مومن شیرینی ایمان را در قلب خود احساس نمی کند تا آنجا که بی اعتنا باشد که دنیا را چه کسی می خورد. آثار الصادقین ج ۱ ص ۱۵
امام علی علیه السلام: زهد که ناه کردن آرزو و خالص ساختن اعمال برای خداوند است. آثار الصادقین ج ۸ ص ۵۷

امام علی علیه السلام: همه زهد در دو جمله از قرآن آمده است خدای تعالی فرموده است: تا بر آنچه از دستت می رود اندوختگی نکنی و به آنچه بدست می آوری شادمانی نکنی. [حدید ۲۳] میزان الحکمه ص ۲۳۳۹

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: هر که دل از دنیا بکشد مصیبت او گرفتار نیاید و آسان شود. میزان الحکمه ص ۳۳۶

امام سجاده علیه السلام: هر که به امید پادشاه آخرت از دنیا بکشد عاقبتش بد است و در برابر امری هم در برابر امری خسر و دنیا خیر ضروری کرده است و بزرگتر از آن کسی است که آنچه از دنیا از دست داده سلامتی ای بداند که بدان رسیده و غمی نباشد که به دست آورده است. میزان الحکمه ص ۵۵

امام علی علیه السلام: با پیکر خویش در دنیا باش و بادل غسل خود در آخرت. میزان الحکمه ص ۵۹

امام علی علیه السلام: به دنیا از منظر بی رضی که از آن جدا می شود بنگرند از دیدگاه عاشقی و لباخت. میزان الحکمه ص ۱۱۱

امام علی علیه السلام: از دنیا کاغذ کنی و چون یقین داری زودی از شما جدا می شود پس با زنده و حسای آن را از پشت خود بردارید و آن گاه که بیش از هر زمانی در دنیا شادید پیش از هر وقت دیگر از آن بگذر باشید. میزان الحکمه ص ۱۷۱۵

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: من از فتنه خوشی بر شما بمینا کترم تا فتنه سختی. میزان الحکمه ص ۲۵۴

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: دنیا ساعتی پیش نیست پس همان ساعت را در اطاعت خدا قرار دهید. آثار الصادقین ج ۶ ص ۱۷

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: دنیا برای اهل آخرت حرام است و آخرت بردنی و دنیا حرام و دنیا و آخرت هر دو بردنی است خدا حرام می باشد. آثار الصادقین ج ۶ ص ۱۵۲
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: ای ابو ذر چون صبح خود را آغاز کردی به خوشن و وعده شب مده و هرگاه شب را آغازیدی و عید صبح به خود مده و از دوران سدر پیش از آن که میسر شوی بهره گیر و از زندگی پیش از آن که بمیری. میزان الحکمه ص ۶۸۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: برای دنیای خود چنان کار کن که گویی بسا و دانی زنی و برای آخرت چنان کار کن که گویی منس و خواهی مرد. میزان الحکمه ص ۵۹

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: هر کوری گذشت که روز قبل شخصی در آن دفن شده بود و خانواده اش می گریستند فرموده و در کت نسا زکی که به نظر شامی آید برای صاحب این کور دوست داشتنی تر از همه دنیای شاست. میزان الحکمه ص ۴۷۳۷

باور این انبار گندم می کشیم
گندم جمع آمده گندم می کشیم
منی نیندیشیم آخر ما به پیش
گندم چهل در گندم است از گندم
موش تا انبار ما خورده است
بزرگش انبار ما ویران شد
اول ای جان من شمشیر کین
و گندمان در گندم کین
کز میوشی از دور انبار است
گندم حال پل ساکت است
بازه زنده صدق هر روز چه
جمع می نماید در این انبار
روح می بردت سوی چرخ برین
سوی آب و گل شدی در این حلقین
اسب هست سوی آخور است
آدم سجود را نشناخته
خوشین را آدمی از دان خوشت
بود اطلس خویش را بر بوق خوشت
صنعت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : ای ابانزیر بچ بنده ای دل از دنیا بکنند مگر آنکه خداوند نکلت را در دل او رویاند و زبانش را به آن گویا کرد و معایب و کاستی های
دنیادورو در مان آن را به وی شناساند و او را از دنیا سالم به سرای سلامت برد . میزان الحکمه ص ۲۳۵

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : هر که برای غیر خدا کاری کند خدا او را به همان کسی که برایش کار کرده دائمی گذارد . میزان الحکمه ص ۲۰۶

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : ای ابانزیر هرگاه بنده ای را تشیع می کنی چنان باش که انگار این تویی که بر دو سه حمل می شوی و گویی از پروردگارت میخواهی که تورا
دنیاماز کند اما همچون کسی که زنده است کار کنی . میزان الحکمه ص ۵۷

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : ای ابانزیر زن را که بر اثر ازدواج امروز را به نبرد افکنی زیرا که تو در امروز به سمری بری نه در نبرد چاه اگر فردایی برای تو بود در نبرد این
چنان باش که امروز بوده ای و اگر فردایی در کار نبوده خاطر کوتاهی کردن در کار امروزت پشیمان نمی شوی . میزان الحکمه ص ۲۶۶

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : ای گروه مسلمانان آستین بالا زنید که موضوع جدی است و آماده شوید که دشمن نزدیک است و توشه بردارید که سفر طولانی است بهار ایمان را
بک کنید که گرنه ای دشوار سفر را روی دارید که بزرگباران آن را نمی بینید . میزان الحکمه ص ۸۶

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : هر که دل از دنیا بکنند صیحت او گرفتار یار او آسان شود . میزان الحکمه ص ۳۳۱

امام باقر علیه السلام : و از امید دروغین بگریز که تو را در ترس واقعی می افکنند . تحف العقول ص ۲۱۳

امام حسین علیه السلام : ای خدای من در گونی تپید و سرعت در هم چیدن سر و شتابانیت پیروز تو بندگان عارفت را از غرور اطمینان به علی
موجود از نومیدی در ناگواری بازمی دارد . دعا عرف

امام علی علیه السلام : برترین زهد پوشیده داشتن زهد است . نهج البلاغه حکمت ۲۸

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : همانا صلاح اولین این است به زهد و یقین است و هلاکت و افسوس آنست که بخل و آرزوست . آثار الصادقین ج ۸ ص ۷۸

امام رضا علیه السلام : عیسی به جوار یون سفر و هوای فرزندان اسرائیل بر آنچه در دنیا از دست داده اند و نهنگ مباشد همچنان که دنیا دوستان بر انداز
دیشان را از دست دهند و نهنگ ندانند زیرا که دنیای خود را به دست آورده اند . آثار الصادقین ج ۶ ص ۱۰۷

امام حسین علیه السلام : همانا مردم بنده دنیا اند و دین لطفه زبان آنهاست هر جا منافشان به وسیله دین بیشتر تامل شود آن را می چرخند
اما چون به بلا آرموده شوند آن گاه دینداران اندکند . میزان الحکمه ص ۱۷۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : روز قیامت مردمی می آیند که حسنات و خوبیهای آنان به بزرگی کوههای تهامه باشد و فرمان میرسد که آنان را به سوی
آتش ببرند عرض شد یا رسول الله ایاهما ما نکر از نده فرمود : نسا که از نده و روزی که نکرند و بخشی از شب را به عبادت سپردند ولی چون دنیا به آنان

استراحت کنی بیست و شش
سزایش در وصی حکم از است
میل تو سوی بخیلان است و یک
تا چه کل صبی ز خا بر مرده یک
مرد دنیا محس است و دنیا یک
بچ او را نیست و زود داشت با یک
او بر بسته آمد و عریان رود
وز غم زدش کل خون می شود
وقت مرگش که بود صد خونش
خنده آید جانش از زمین برس چو
چون کوهی که بر از نصال
کو بر آن لرزان بود چون ببال
گرستانی باره ای کربان
پاره که بازش می خندان
همچنان رسایی این حالان
که بودشان چهل و علم این جان
هر یکی ترسان از زودی کسی
نوشته را علم چند اردی

امام صادق علیه السلام : آدم فریب خورده در دنیا میزبان است و در آخرت بازنده زیر اچین کی از دشمنان بدترین چیز را به بی ارزش ترین چیز فروخته است و از خود راضی و منور در مباحث زیر نگاه فریب ثروت و تندستی خویش را می خوری و خیال می کنی برای همیشه زنده ای ، گاه فریب عمر دراز و فرزندان و دوستان و یاران را می خوری به این خیال که اینها موجب نجات تو هستند ، گاه فریب وضعیت خود و آرزوها و دست یافتن به امید و خواسته ات را می خوری و می پذیری که تیرت به هدف خورده و راه درست را رفته ای ، گاه فریب این را می خوری که به مردم و انعمی کنی از کوتاهی کردن در عبادت پشیمانی حال آنکه خداوند تعالی می داند که خلاف آن در دل تو می گذرد ، گاه خودت را در عبادت به زحمت می اندازی در صورتی که خداوند خواستار احسان است ، گاه به علم و اصل و نصب خود می بازی حال آنکه از آنچه در غیب خداوند نهفته است بی خبری ، گاه باشد که به ظاهر خدا را بخوانی اما در واقع دیگری را می خوانی ، گاه به گمان خودت مردم را نصیحت و خیر خواهی می کنی اما در واقع غرض تو جلب توجه و تمایل کردن آنان به سوی خودت می باشد و گاه نفس خویش را نکوش می کنی اما در حقیقت در پی ستایش آن هستی ، بدان که از تبار یکمایی فریب و آرزو هرگز بیرون نروی مگر این که از سر راستی به پیکانه خدای تعالی روی آوری و در برابرش توبه و زاری کنی و معاصی را که در توست و با عقل و علم سازگاری ندارد و دین و شریعت درو سها و معیاری باشد پیامبر و ائمه علیهم السلام که آنها را تحمل نمی کند بشناسی . اگر بروی که داری خرسند و قانع باشی در بدیجی و تسب که کردن عمر و حسرت و افسوس خوردن در روز قیامت کسی به ترا توجیه خواهد بود . میزان انجکله ص ۴۲۷۷

امام صادق علیه السلام : نشاء شخص کذاب این است که از آسمان و زمین و مشرق و مغرب به تو خبر می دهد اما هر گاه در باره حرام و حلال حسد از او پرسی چیزی برای گفتن ندارد . میزان انجکله ص ۵۱۳۱

امام علی علیه السلام : چون شنید که مردی دنیا را نکوشد ، میگرد فرموده : فریفته دنیایی و سر زشت میکنی ؟ تو بر دنیا دعوی کنی که داری یا دنیا باید بر تو دعوی کند که گناهکاری ؟ دنیا کی سرگشته ات ساخت و بدام فریبنداخت ؟ با سختگانهایی پدرانست که پوسیدند یا با خواجهایی مادرانست که در خاک آرمیدند ؟ ... دنیا خانه راستی است برای کسی که آن را استخوانگاشت و خانه تندستی است آن را که شناختش و باورش داشت و خانه بی نیازی است برای کسی که از آن توشه انداخت و خانه پنداست برای آنکه از آن پند آموخت . دنیا مسجد مجبان خداست و نمازگاه فرستگان او و منور و آید نگاه وحی خدا و محفل تجارت دوستان او در آن آمرزش خدا را بدست آورند و بهشت را سود برند . چه کسی دنیا را نکوشد حالی که بانگ برداشته است که جدا شدنی است و فریاد کرده است که نماندنی است ؛ گفتار است که خود خواهد مرد و از مردش کسی جان بدر نخواهد برد . با محنت خود از محنت برای آنان نوز ساخت و با شادمانی اشس آنان را به شوق شادمانی انداخت . شامگاه به سلامت گذشت و با باد با مصیبتی جاگذازه بر گشت تا مشتاق گردان و برساند بسم و بهر سپهر سازند . نوح البلاغه حکمت ۱۳۱

گوید که روزگار هم میسازد
خود را در روزگار سودمند
گوید از کارم بر آوردید حشمت
غرق بکاریت جانش با بخت
دند او حاجت بهر جور
در بیان جوهر خود چون تر
قیمت هر کالای بیانی که قیمت
قیمت خود را ندانی از اعمی است
نفس اگر چه زین است و در کبر
قدش و نیاست او را در کبر
پارم از روح جان را در کار
وان زدم دانست در زبان نر
عشق با دم خود باز نگان
می را با نجان ما از زمین
رو به پا را کند از آن کونخ
با چو بودم چه بودای چه بونخ
چیدار یک با چون و تمناست
شما بازم با دم چه پورت
صفحه دوم

امام صادق علیه السلام : غنایی که تو را از ستم باز دارد بهتر از قهری است که تو را بکشاید بکشد. میزان الحکمه ص ۶۴۷

امام علی علیه السلام از آنان سب است که به آخرت امیدوار است بی آنکه کاری سازد و به آرزوی دراز توبه واپس اندازد. در باره دنیا چون زاهدان سخن گوید و در کار دنیا راه جویندگان دنیا را پویید اگر از دنیا بد و هوس نبرد و اگر از آن باز نشد و از دنیا نرسند که در دنیا آنچه بود و داده اند تا توان است و از آنچه مانده فرونی را خواهان. اگر کار بد بازمی دارد و خود بازمی ایستد و بد آنچه خود نمی کند فرمان می دهد. مرک را خوش نمی دارد چون گنا باشد بسیار است و بد آنچه به خاطر آن از مردن می ترسد در کار است. اگر بیمار شود پیوسته در شمانی است و اگر تندرست باشد هرگز کم خوشگذرانی چون عافیت یابد به خود بالان است و چون گرفتار باشد نوسید و نالان. اگر بلایی بدور رسد به زاری خدا را خواند و اگر امید یابد ضروری برگردد و در آنچه در باره آن به گمان است هوای نفس خویش را بر فرمان است و در باره آنچه تعیین دارد در چیزی بر نفس ناتوان. چون کار کند در کار کوهایی کند و چون بخواهد بسیار خواهد است. چون شوت بر او دست یابد گناه را مستدم سازد و توبه را واپس اندازد و چون بچی بدور رسد از راه شرع و ملت برون نازد. در گفتن بسیار گفتار است و در عمل اندک کردار. در آنچه ناماندنی است بردگی می کشد و آنچه ناماندنی است آسان شمارد و غنیمت را غرامت پذیرد و غرامت را غنیمت انگارد. از مرکبیم دارد در حالی که فرصت را واکندارد. گناه جز خود را بزرگ می انگارد و پیش از آن را که خود کرده حساب می آرد و از طاعت خود آن را بسیار میداند که مانندش را از خود ناچیزی ندارد. دیگران را در او نیست و خود را به گمراهی کشاند. هیچ البته حکمت ۱۵۰

امام صادق علیه السلام : هنگامیکه کار دنیا می تو رو به صلاح خدا بدین خود بدگان باش. آثار الصادقین ج ۱ ص ۱۱

امام صادق علیه السلام : علی بن حسین علیه السلام بن فرموده هرگاه دو کار برای من پیش آید یکی برای دنیا و دیگری برای آخرت و من دنیا را برگزیدم هنوز شب نشسته میماند ناخوشایندی بر ایم رخ داد. پس امام صادق علیه السلام در باره بنی امیه فرموده آنان هشتاد سال است که دنیا را بر آخرت برگزیده اند و هیچ میماند ناخوشایندی بر ایشان رخ نمی دهد. میزان الحکمه ص ۱۷۲۵

درویشی بزرگ پادشاه رفت پادشاه به او گفت: ای زاهد درویش گفت: زاهد تویی گفت: من چون زاهد باشم که همه دنیا از آن من است گفت: بی عکس می بینی دنیا و آخرت و ملکیت جمله از آن من است و عالم را من گرفته ام. تویی که به همه ای حسرت های قانع شده ای. مولوی مینا فیه باژگون دان نقش دیباچه جهان نام هر بنده جهان خواب جهان جمله ساکنان پست پست خویش را جمله حلقان مست مست خویش را جمله ساکنان بنده بنده خودند جمله خلعان مرده مرده خود می شود میساید مرغان را شکار تا کنند ناچار ایشان را شکار گویند عابدی در بن عبادت می کرد و گاهی در میان عبادت ریش خود را با انگشتانش شام می کرد. از ناشی آواز شنید که تو مشغول ریش خودی به مشغول با آن دل ریش و دوش به در داد و شروع کرد به کسندن ریش در آشی ریش کشدن نذا آمد که باز هم که مشغول ریشی.

دویم جنب نیم زانند لال که
بنا که حیران کرد از زاریه
روح این و حجت برین
وقت کن دل بر خداوندان
حق می گوید نظیران بر دل است
نیت بصورت که آن است
تو همی گویی مراد نیست
دل خوارش باشد بی نیت
در کل تیرتین هم است
کیک از آن است شاید است
زان که آبت منسوب است
پس دل خود را بگوین هم دل است
آن دل کا عاشق است و با
باز برون این گل و آب است
بایب لالی که در خطبات
می پریشان برای سستو
دل نباشد غیر آن در بای ناز
دل نظیر گاه خدا نگاه کرد
منه یاد هم

امام علی علیه السلام؛ دینت را به ویلید نیساختن تا نجات یابی ولی بادی دنیای خود را حفظ کن که موجب هلاکت تو می گردد. آثار الصادقین ج ۶ ص ۱۵۳
امام علی علیه السلام؛ به خدا که این جسم پیشین خود را چندان پسینه کردم که از پیگنده شمرساری بر دم بگی بمن گفت: آن را دور نمی افکنی؟ گفتم: از من دور شو
صحکامان است که در پمپایان شب ارج نهاده می شوند. پنج ابلاغه خطبه ۱۶

هر کس کشت آخرت را نخواهد به کشتش می افزاییم و هر کس کشت دنیا را بخواهد از همان به او عطا می کنیم و در آخرت بهره نصیبی ندارد.
شوری ۲۰

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ زمانی بر مردم می آید که هر گاه دنیای مردی تا مین باشد به ازین رفتن دینش ایتیمی نمی رسد. میزان الحکمه ص ۴۴۳
امام علی علیه السلام؛ مردم برای سود دنیای خویش امری از امور دین خود را واکنده اند مگر آن که خداوند کاری برای آنها پیش می آورد که زیانش از
سود آن شیراست. میزان الحکمه ص ۱۷۲۵

و کیت که راه تر از آن کس که به جای خداوند کسی را می خواند که تا روز قیامت او را پانخ نمی دهد و آنها از دعایشان بی خبرند. احقاف ۵
تا به جای او بر نامهای چند را نمی پرستید که تا او پدر انسان آنها را نمانداری کرده اید و خدا دلیل بر رحمت آنها نازل کرده است. فرمان خبر برای خدا
نیست. فرمان داده بر او را نپرستید. این است دین درست دلی بیشتر مردم نمی دانند. یوسف ۲۰

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ زمانی بر مردم می آید که اگر نام کسی را بشنوی بهتر از آن است که او را ببینی و اگر او را ببینی بهتر از آن است که او را
ببینی چه اگر او را بسیار زبانی حالاتی ناخوشانید بر تو آشکار کند. دین آنها در همایشان است و هم و عثمان نگمایشان و قبله شان زنانشان.
برای کرده ای نان چشم می شوند و برای درمی به خاک می افتند بگرشته و مستند مسلمانند و زرتشتا. میزان الحکمه ص ۴۴۳

امام علی علیه السلام؛ که با دگوشی که بانگ بلند را نشنود آن که بانگ بلند او را گر کند آوای نرم در او چگونه اثر کند. پنج ابلاغه خطبه ۴
امام باقر علیه السلام؛ از ساحت کاری و تا خیر انداختن سپهر زیر که این دریایی است که هر لاک شده در آن غرق گردد. تحف العقول ص ۲۸۵
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ آن که برسد شبانه حرکت کند کسی که شبر و باشد به منزل می رسد. میزان الحکمه ص ۱۵۷۵

ای فرزند آدم بر تو سه راه است بیزای که ره طولانی است طولانی، و کشتی را از نوب از که دریا عمیق است عمیق، و علت را خالص ناکه لطف اهر که
میاست مینا... و خواب را برای قبرت به تاخیر افکن... برای من باش تا برای تو باشم. حدیث شریف

نخستین نمایش تبیین اندیشه سیاسی اجتماعی اسلام دانشگاه شیراز ۱۵-۱۸ اردیبهشت ۸۳

ویژه نامه شماره ۳، اردیبهشت ۱۳۸۳

کانون اندیشه و مطالعات علمی فرهنگی - کانون قرآن و معنویت

هین برسته دلاغره شو
بست می ست عشق خیزت
غیر عشق از عاشقانی بود
عشق بود سوز زه بودایی بود
ایچو عشق خدای احسان است
سر کشد خاریست هم جان کنان است
چیت جان کندن سوی مرگ این است
دست در آب حیالتی نازد
عشق آن زنده کردن کوبایت
و شراب جانتراست ساقی است
عشق زنده در روان و در بصیر
هردی باشد در غمچه تازه
عشق آن عداست کوجون خیزت
هرچو عشق باقی جلد خیزت
تسخ لادر عشق بر حق براند
در کجا حرکت دارا چنانند
نماد لاله و باقی جلد خیزت
شاد باش ای عشق حرکت سوز
منور و از دم